

# از جنگ نرم هوشمند تا نبرد محاسبات

بررسی رهیافت‌ها و راهبردهای غرب در جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی



www.BORHAN.ir

# فهرست

۷	پیشگفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۳	مفهوم‌شناسی.....
۱۳	قدرت نرم چیست؟.....
۱۵	عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء قدرت نرم.....
۱۷	جنگ نرم چیست؟.....
۳۰	سطوح جنگ نرم.....
۳۰	مهار.....
۳۲	تغییر رفتار.....
۳۴	تغییر ساختار.....
۳۷	سرمایه‌گذاری‌های نرم افزاری و سخت افزاری در جنگ نرم.....
۳۰	عرصه‌ها، رهیافت‌ها و راهبردها.....
۳۱	۱- جنگ نرم سیاسی.....
۳۶	۲- جنگ نرم اجتماعی.....
۴۸	۳- جنگ نرم اقتصادی.....
۵۲	۴- جنگ نرم فرهنگی.....
۵۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۶۱	منابع و مأخذ.....

### پیشگفتار

تحولات سیاسی-اجتماعی جهان معاصر و نیز پیشرفت دستاوردهای بشری در عرصه فناوری، گونه‌ای جدید از منازعات را رقم زده است که با عنوان «جنگ نرم» از آن یاد می‌شود. به عبارت دیگر بهره‌گیری از ظرفیت‌های اثرگذاری اقناعی، القایی و ادراکی برای تغییر رفتار و ساختار جامعه و نظام هدف به یکی از موفق‌ترین روش‌های تخصص تبدیل شده است که کارآیی به مراتب بیشتری نسبت به جنگ و تهاجم نظامی دارد. در این میان پیچیدگی این نوع منازعه از یک سو و از سوی دیگر آنکار آن توسط برخی محافظلی که در واقع طراح پشت صحنه آن هستند، موجب ایجاد تردیدهایی در میان نخبگان، نسبت به آن می‌گردد.

اندیشکده برهان بنا بر رسالت آرمانی خویش در تبیین مسائل و موضوعات

مهمی که انقلاب اسلامی در چالش و مواجهه با آن است، تبیین مفهومی جنگ نرم و ابهام زدایی از آن را در دستور کار قرار داده است.

در این پژوهش تلاش گردیده با محسوس و عینی نمودن جنگ نرم و تبیین رهیافت‌های نظری پیرامون آن، به بررسی چگونگی پیاده‌سازی آن در عرصه‌های گوناگون پرداخته شود. به این منظور ابتدا به مقایسه ابعاد میزان تأثیرگذاری جنگ نرم و جنگ سخت پرداخته خواهد شد. سپس با مطالعه‌ی روند جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، رهیافت‌های نظری منطبق بر این روند و نیز راهبردها، ابعاد و عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این جنگ مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

ناگفته پیداست، ارائه نظرات اندیشمندان و مخاطبان فرهیخته‌ی این اثر، اندیشکده برهان و پژوهشگران آن را در غنای بیشتر این اثر و دیگر آثار این مجموعه یاری خواهد نمود.

اندیشکده برهان

جنگ نرم را می‌توان آخرین حلقه از سلسله راهبردهای نظام سلطه برای تغییر حکومت‌های ناهماهنگ با منافعشان به ویژه در جهان سوم دانست. حلقه‌های پیشین این سلسله را می‌توان دکترین‌هایی همچون «براندازی و ضدبراندازی»<sup>۱</sup>، «شورشگری و ضدشورشگری»<sup>۲</sup> و «جنگ کم‌شدت»<sup>۳</sup> نام برد. امریکایی‌ها پس از شکست خفت بار در ویتنام، پروژه‌ای را از طریق مؤسسات آکادمیک و اندیشکده‌های راهبردی خود مورد بررسی قرار دادند که شکل تازه‌ای از براندازی و تغییر حاکمیت‌ها بود و با استفاده از فرایندهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در صورت لزوم اجرای عملیات نظامی محدود محقق می‌شد. این مدل در سرنگونی آئنده در شیلی، ساندنیست‌ها در نیکاراگوآ کاربرد ی گردید.<sup>۴</sup>

به طور کلی امروزه، رهیافت تقابل‌گرایی و خشونت‌محور با محوریت اقدامات نظامی در نظام بین‌الملل جای خود را به رویکرد نرم‌افزاری و جنگ نرم داده است. این رهیافت از سوی مراکز مطالعاتی و مؤسسات وابسته به بنیان‌های غرب اشاعه یافته، و توسط مؤسساتی همچون کمیته خطر کنونی<sup>۵</sup>، بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی<sup>۶</sup>، موسسه هوور<sup>۷</sup> و بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها<sup>۸</sup> ترویج شده است.<sup>۹</sup>

در گزارش کمیسیون امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ و سند ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین چالش آمریکا در ابتدای قرن ۲۱ معرفی شود. نظریه پردازان امریکایی معتقد به رویکرد جنگ نرم با جمهوری اسلامی

- 1- Subversion and Anti-Subversion.
- 2- Insurgency and Counter-Insurgency.
- 3- Low Intensity conflict.

۴- سراج، رضا، جنگ در پناه سلج، ص ۴۲

- 5- Committee on the Present Danger (CPD)
- 6- National Endowment for Democracy (NED)
- 7- the Hoover Institute
- 8- Foundation for Defense of Democracies

۹- عبدالله‌خانی، علی، رویکردها و طرح‌های امریکایی درباره‌ی ایران، ص ۳۹

براین باورند که هرگونه اقدام خشونت‌آمیز علیه ایران (به ویژه اقدام نظامی)، نفرت ایرانیان از آمریکا و دولت آن را برای سالیان دراز ریشه‌دارتر خواهد کرد. استفاده از اقدام خشونت‌آمیز علیه ایران، امکان روی کار آمدن یک دولت هوادار آمریکا را در این کشور با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد کرد. افزون بر این، کاربرد نیروی نظامی علیه ایران، بی‌ثباتی و ناامنی را در خاورمیانه افزایش خواهد داد. این گروه معتقدند ایران به علت برخورداری از پیشینه‌ی دمکراسی و وجود نهادهای مردم‌سالار و همچنین پتانسیل‌های موجود برای حرکت‌های مردمی و غیردولتی از استعداد بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش‌های غیرخشونت‌آمیز برخوردار است. در صورتی که عملیات جنگ نرم در براندازی جمهوری اسلامی به موفقیت برسد پیامدهای ناشی از روش‌های رویکرد تقابل‌گرا (جنگ سخت) را با خود همراه نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

بر همین اساس باراک اوباما نیز همانند "جورج بوش" بودجه ۵۵ میلیون دلاری پنتاگون برای جنگ نرم علیه ایران را امضا کرد. با امضای اوباما لایحه اختیارات دفاعی کنگره‌ی آمریکا به‌طور مستقیم به قانون تبدیل شد. از بودجه ۵۵۰ میلیون دلاری وزارت دفاع آمریکا، ۵۵ میلیون دلار برای نفوذ در ایران، مقابله با فیلترینگ سایت‌های ضد ایرانی، تحریک به اصطلاح قربانیان سانسور، آموزش الکترونیکی ایرانیان مخالف نظام برای براندازی نرم و شبکه‌سازی اینترنتی برای اغتشاش‌گران پس از انتخابات ریاست جمهوری و عرضی آموزش‌های لازم رسانه‌ای و رایانه‌ای برای راه‌اندازی وب‌گاه‌ها به‌منظور اطلاع‌رسانی اختصاص یافته است. شبکه‌سازی در چارچوب اقدامات مدنی، بحران‌سازی اجتماعی، بهره‌گیری تاکتیکی از قومیت‌های ایرانی و حمایت از فرقه‌های ضالّه همانند وهابیت، راه‌اندازی جنبش‌های فرهنگی اجتماعی، جنگ رسانه‌ای و کاربرد گسترده شبکه‌های اجتماعی به همراه فشار اقتصادی و نظامی بر جمهوری اسلامی ایران به منظور زیر سؤال بردن مشروعیت دولت و کاهش اعتماد، حساسیت و انعطاف‌پذیری ملی از

جمله راهکارهایی است که امریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است.<sup>۱</sup>

حمایت آشکار از صداهای مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران توسط بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در امریکا، مخدوش و بدنام کردن چهره جمهوری اسلامی در خارج از کشور از راه‌های گوناگون، تلاش برای مشروعیت‌بخشی، گسترش و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی حاضر در ایران که مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند، دخالت گسترده در امور داخلی ایران در زمینه انتخابات، حقوق بشر، زنان، رسانه‌ها و مذاهب، تبلیغ و ترویج دوگانگی حاکمیت در ایران و فعال‌سازی و حمایت از شبکه‌های رسانه‌ای ضد ایرانی بخش‌هایی از سند امنیت ملی امریکا در سال ۲۰۰۶ است.<sup>۲</sup> تأمل در اهداف و محتوای رسانه‌های فارسی‌امریکایی و سایر کشورهای غربی، آشکار می‌سازد که آنان با بهره‌گیری از ساز و کارهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، در پی آن هستند تا فرهنگ، روابط و نهادهای اجتماعی، احساس دل‌بستگی و انسجام ملی، وحدت سیاسی و مذهبی و جز آن را آماج فشار و تهدید قرار دهند و زمینه «تغییر رفتار» و «فروپاشی از درون» را فراهم سازند.

با توجه به کارنامه سیاه نظام سلطه در به‌کارگیری انواع راهبردها، راهکارها و ابزارهای سخت و نرم علیه انقلاب و نظام اسلامی در طول ۳۵ سال گذشته، مطالعه و بررسی طراحی‌ها و اقدامات دشمن می‌تواند دستمایه یک پژوهش علمی از جنبه‌های نظری و کارکردشناسانه باشد. لذا در این پژوهش با مطالعه‌ی روند جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، کوشیده‌ایم تا ابعاد نظری و کارکردی این مسئله را بازشناسی نماییم.

ذکر این نکته ضروری است که هرچند مسئله جنگ نرم در ادبیات سیاسی کشور ما تا حد زیادی طرح گردیده است اما با این حال پرسش‌هایی در خصوص این موضوع لاینحل باقی مانده است. نوع رویکرد نخبگان و ادراک

۱- ماه‌پشتیبان. مهسا؛ بررسی انقلاب‌های رنگی از منظر تهدید به سرایت

۲- راهبرد امنیت ملی امریکا، ۲۰۰۶

آنان از این جنگ جای تأمل بسیاری دارد. چرا ادراک و برداشت مسئولان نسبت به جنگ نرم، ادراک صحیحی نیست؟ چرا نخبگان جنگ نرم را باور ندارند؟ همچنین چرا جنگ نرم برای آحاد جامعه فهم نشده است؟ در جنگ (سخت) اصل بقای یک حاکمیت مورد تهدید قرار می‌گیرد، در حالی که همین تهدید در مورد جنگ نرم نیز وجود دارد، پس چرا مورد توجه مخاطبان آن قرار نمی‌گیرد؟

به نظر می‌رسد برای حل مسئله و پاسخ به پرسش‌ها، دو رویکرد اساسی را باید دنبال نمود: الف- مقایسه جنگ نرم با جنگ سخت و ب- محسوس و عینی نمودن جنگ نرم؛ در این پژوهش با بررسی رهیافت‌های نظری و عرصه‌های عملی این جنگ تلاش خواهیم کرد پاسخ این پرسش‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم.